

# عوامل عقب ماندگی مسلمین

این نهایت بی انصافی است که ما گناهان خود را به گردن اسلام بیندازیم و اسلام را در برابر گناهی که هرگز مرتکب نشده‌ایم محاکمه کنیم

مبانی آن در شرق " هنوز یقین از وفاسات محمد (ص) نگذشته بود که " شارل مارتل " مجبور شد با پیروان اسلام بجنگد تا ایشان را از فرانسه براند ، و امپراطوری بسیار عظیم " بیزانس " برای حفظ موجودیت خود با آئین او در کشمکش شد ، و اسلام به هندوستان و چین راه یافت "

بی شک این تمدن خیره کننده و پیشرفت چشمگیری که هشت نه قرن بطور اعجاب آوری از " اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند ، و از سواحل مدیترانه تا ریگستان آفریقا و آنطرف تا اسپانیا و اروپا " ادامه داشت ، از معجزه اسلام بود و اثر پای بندی مسلمین به دستورات آن . ولی این پسرفت و انحطاطی که از چند قرن پیش شروع

از بحث علل پیشرفت اسلام گذشتیم و به علل انحطاط مسلمین رسیدیم ، ضمن مقالات گذشته اثبات کردیم که نه " جبر تاریخ " علت تامه برای پیشرفت و پسرفت مکتبی می تواند باشد و نه اسلام فاقد خاصیت " انطباق با مقتضیات زمان " است .

اینک وقت آن رسیده که عوامل این عقب ماندگی شرم آور را مورد بررسی قرار دهیم مسلمین تا آن زمان که به مقدسات مذهب مومن و به دستورات الهی عامل بودند نسبت به یکدیگر با روح برادری و با دیگران انسانی رفتار می کردند ، چنان پیشرفت چشمگیری داشتند که طبق نوشته نویسندگان " تاریخ تمدن غرب و

بنظر خود، مارک توحش و عقب ماندگی را از پیشانی کشورشان برداشته در جرگه کشورهای در حال توسعه ورشد، قرارشان داده اند، و هنوز با کشورهای مترقی، فرسنگها فاصله دارند.

اصولا بسیاری از مناطق که مردم آنها نسبتا مذهبی هستند، فقر و فلاکت از سروریشان می بارد، بدبختی و سیه روزی و استعمار، رفق از آنها گرفته مورد حمله همه جانبه فقر و عقب ماندگی و اختلاف و کفر قرار دارند.

متجاوزان هفتصد و پنجاه میلیون مسلمان دنیا که روی عظیمترین منابع ثروت جهان خوابیده اند، در برابر یک ملت چند میلیون نفری اسرائیل به زانو در آمده تا جائیکه یکی از مفسران سیاسی جهان درباره یکی از کشورهای عرب جبهه مقدم که تن به صلح داده می نویسد، ده میلیارد دلار مقروض است و وضع اقتصادیش بطور کلی فلج است، از این رو چاره های جزئی به این صلح کذائی دادن ندارد...

این بود خلاصه اتهامی که برخی از افراد خود باخته و سطحی و احمقانه کاسه لیسان مکتب "مارکسیسم - لنینیسم" و نیز امپریالیسم، به اسلام می زنند و تمام کاسه کوزه انحطاط و عقب ماندگی مسلمین را سر اسلام می شکنند و تنهای آنرا مایه بدبختی و عقب ماندگی مسلمین می دانند.

اسلام عامل تحرک و جنبش

اسلام را عامل رکود و فقر و بد بختی دانستن ناشی از جهل و غرض و نا آگاهی از واقعیت

گردید و پیکر عظیم "دارالاسلام" به چهل و چند کشور اسلامی تجزیه شد و در معنی هر منطقه ای به یکی از ابرقدرتها تعلق گرفت و پیش آمد آنچه که یاد خاطره آن، هر مسلمان غیرتمند را رنج می دهد. حال، علت این وضع چیست؟ از اسلام است؟ یا مسلمین؟ و یا عوامل بیرونی و خارج از ایندو؟

بعضی از خود باخته ها و خود کم بینها که در مقابل تمدن صنعتی غرب، اصالت و تمدن و مذهب و شرف ملی خود را از یاد برده و احمقانه پیرو مکتب "مارکسیسم - لنینیسم" نیز هستند رمز عقب ماندگی مسلمین را در "اسلام" جستجو می کنند و با کمال وقاحت اظهار می دارند این انحطاط و عقب ماندگی که دامگیر جامعه اسلامی شده معلول خود "اسلام" است که نتوانسته راه و رسم یک زندگی صحیح انقلابی را بنیان نهد و جوامع اسلامی را بسوی یک تمدن بزرگ رهنمون باشد.

این عده می گویند هم اکنون می بینیم بیشتر چهل و چند کشوری که اسلام در آنها حکم فرما است با همه امکانات مادی که دارند، نتوانسته اند بطور کلی از دول بزرگ بی نیاز باشند، لا اقل اسلحه آنها، کارشناسان نظامی آنها، مصالح ساختمانی آنها، وسائل تجملی آنها، داروی آنها و... باید از همان بلاد کفر تأمین شود و خود نیز به برادر کشی سرگرم باشند

در این سالهای اخیر، تنها کاری که برخی از زمامداران این کشورها انجام داده اند،

تاریخ و روح اسلام است زیرا همین اسلام بود که به اعتراف دوست و دشمن، توانست در آن قرون که تاریکی، سراسر گیتی را فرا گرفته، بشریت در چنگال اهریمن جهل و فقر و بیعدالتی دست و پا می‌زد، تمدنی بیدید آورد که چندین قرن بر نیم بیشتر معموره<sup>۱</sup> آنروز کره زمین حکمفرما باشد و در همه رشته‌های علوم متخصص و دانشمند تربیت کند که قرن‌ها تالیفاتشان در اروپا تدریس شود و نظرات ابداعی و ابتکاریشان همچون مشعلی فروزان فراراه دانشمندان غرب، در پدید آوردن تمدن و اختراعات جدید، قرار گیرد، و سالیان دراز دانشجویان اروپا برای ادامه تحصیلات عالی راهی دانشگاه‌های اسلامی بغداد، قاهره، قرطبه فاس و... شوند، و بیماران صعب‌العلاج غرب را پیش پزشکان مسلمان معالجه نمایند، و تنها کتابخانه بیت‌الحکمه بغداد چهار میلیون جلد کتاب

داشته باشد، و فقط اسپانیا سالیانه هفتاد هزار جلد کتاب تهیه و تالیف نماید، و از لحاظ اقتصادی در چنان رفاهی باشند که در اوایل قرن دوم، در (۱) درباره اینکه مسلمین دارای چه تمدن و فرهنگ غنی و جامع‌الاطراف بوده و چگونه این تمدن، موجب نهضت علمی اروپا شده کتابی تحت عنوان "نقش اسلام در پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی" زیر چاپ است که بخواست خدا بزودی در اختیار خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت.

تمام مناطق اسلامی آفریقا حتی یک فقیر پیدا نشود که از بیت‌المال آن منطقه برای بی‌نیاز کردن او استفاده شود، ناگزیر به فرمان خلیفه وقت، "عمر بن عبدالعزیز" والی، مالیات را در آزاد کردن بردگان مصرف نماید و...

آری همین اسلام بود که توانست در حدود ده قرن چنان تمدن و فرهنگی بوحود بیاورد که به قول پرفسور "گیپ" و "سدیلو" خمیرمایه ای برای تمدن غرب به شمار آید و باعث نهضت علمی اروپا گردد (۱)

و در عصرمان نیز چنانکه خواهیم دید اسلام بزرگترین عامل تحرک در مبارزات ضد استعماری در کشورهای اسلامی و آفریقائی بشمار می‌رود. بنابراین، ادعای اینکه اسلام، عامل عقب ماندگی و رمز انحطاط جوامع اسلامی است و باید برای رسیدن به یک تمدن بزرگ و زدودن این آثار نکبت، مذهب را از بین برد، خود یک نقشه استعماری است که دشمنان اسلام بخصوص "مارکسیستها" برای رسیدن به مقاصد شومشان به این فلسفه بافیهای غلط دست زده‌اند زیرا آنها خوبی دریافته‌اند تنها سنگریکه در برابر آنها برای حفظ استقلال و شرف ملی و مذهبی قرار دارد، همین مذهب است و اگر این مانع هم از بین برود، آنوقت بلعیدن همه جانبه کشورهای اسلامی برای آنها امری بسیار آسان خواهد بود ۱

(۱) در این باره بعداً نیز بحثی خواهیم داشت.

- ۱- انحراف از مسیر اصلی اسلام
- ۲- فرقه‌گرایی
- ۳- تجزیه قدرت
- ۴- خوشگذرانی و سردرلاک خود بردن
- ۵- فعالیتهای تخریبی دشمنان اسلام
- ۶- هجوم بیگانگان و استعمار به کشورهای اسلامی
- ۷- خود باختگی و از دست دادن اعتماد به نفس که در ضمن مقالات آینده بررسی هر کدام از این عوامل بطور تفصیل خواهیم پرداخت. باشد که در دشناسی خود مقدمه مداوا گردد و " دهقان مصیبت زده " از این خواب غفلت خرگوشی بیدار شود.

و اما اینکه چرا کشورهای اسلامی و بخصوص عرب، توپ فوتبال ابرقدرت‌ها شده و با داشتن همه‌گونه امکانات مادی دستشان بسوی این و آن دراز است و از لحاظ اقتصادی و نظامی و علمی نمی‌توانند در برابر دشمنان داخلی و خارجی بخصوص ملت چند میلیونی نژاد پرست صهیونیست که در سرزمین آنان مثل قارچ روئیده است، مقاومت کنند، علل دیگری دارد که بخواست خدا ضمن مباحث آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنابراین " اسلام بذات خود ندارد عیبی " و این انحطاط و عقب ماندگی معلول عوامل دیگری است که به عقیده ما عبارتند از:



### بقیه میانروی در انفاق

زیرا میتوانی در این جامه‌مان نوازی کنی و از بستگان خود صله رحم کنی، و حقوق شرعی آنان را بپردازی، در این موقع همین خانه وسیع وسیله کسب آخرت خواهد بود.

علاء رو به حضرت کرد و گفت: من از دست برادر خود "عاصم بن زیاد" به تشویش شکایت میکنم زیرا وی مانند راهبان مسیحی، گلیمی پوشیده و ارزش زندگی دست کشیده است.

امام فرمود: او را حاضر کنند، هنگامی

که چشم امام به عاصم افتاد، فرمود *يَا مُحَمَّدِيُّ نَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا*: ای دشمنک خویش شیطان ناپاک تورا سرگردان کرده، آیا دلت به حال همسر و فرزندان خود، نمی‌سوزد؟ آیا نمی‌بینی که خداوند چیزهای پاکیزه را بر تو حلال کرده و تو برخلاف برنامه‌خدا نمی‌خواهی از آنها بهره‌مند شوی (۴)

(۴) نهج البلاغه خطبه ۲۰۰